

www.ketab.ir

یادنامه‌ی

حسنعلی وزیری

(پیکره)

یادمانده‌ی حسنعلی وزیری
محمدحسن حامدی

مدیر هنری: نمایار فهیمی
گرافیک: مهدیه لایسنس
طراحی جلد: امیر فرهاد
ترجمه‌ی متن انگلیسی: کزانش معتقد

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: نقش سبز - چاپ و صحافی: مبینا

نشر پیکره: تهران، خیابان آزادی، ابتدای آذربایجان، پلاک ۱۰۳۴

تلفن: ۶۶۰۳۸۴۱۹ فکس: ۶۶۰۳۸۴۲۶

www.peikarehpub.ir

E-mail: peikarehpub@gmail.com

سرشناسه: حامدی، محمدحسن، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: یادنامه‌ی حسنعلی وزیری / محمدحسن حامدی.

مشخصات نشر: تهران: پیکره، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.: مصور (بخشی رنگی)، نمونه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۸-۶۹-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: وزیری، حسنعلی، ۱۲۶۹ - ۱۳۳۳.

موضوع: نقاشان ایرانی - قرن ۱۳ - ۱۴ق. - سرگذشتنامه

موضوع: Painters -- Iran -- 19 - 20th century -- Biography

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ح۲/۴ و ND۹۸۹

رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۹۵۵

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۴۶۷۵۶۰

فهرست

پیشگفتار ۹

سالشمار زندگی و آثار حسنعلی خان وزیری ۱۴

وزیری به روایت دیگران ۲۳

سه نامه از استاد کمال الملک ۲۵ / حسنعلی وزیری و هنر او - باسانتا کومار روی ۲۹ / حسنعلی خان وزیری و نخستین نمایشگاه یک نقاش ایرانی در آمریکا - حسنعلی هروی ۳۹ / یادى از حسنعلی خان وزیری - سید محمدعلی جمالزاده ۵۱ / زندگی و آثار حسنعلی وزیری - حسنعلی ملاح ۵۵ / زندگینامه‌ی حسنعلی وزیری (حسنعلی وزیری: هنرمند نقاش عارفانه) - مهناز گیز ملاح ۶۵ / درسوگ استاد حسنعلی وزیری - ابوالحسن خان صدیقی ۸۱ / یادى از دوست همدل - روح الله خالقی ۸۵ / روزگار جوانی - سیمین بهبهانی ۹۱ / عقاید روزنامه‌های آمریکایی درباره‌ی نمایشگاه آثار حسنعلی وزیری ۹۳

آثار مکتوب ۱۰۳

کمال الملک ۱۰۵ / کالبدشناسی ۱۲۱

نوشتار کوتاه، سخنرانی و مکاتبات ۱۸۵

کار و صنعت سرمایه‌ای ست حقیقی کار هنر - صنعت گر مخلوقی بردبار و بی‌آزار ۱۸۷ / کمال الملک: سرو تهران ۱۹۵ / گزارش ناسیونال ریور ۱۹۶ / نقدی بر آموزش هنر ۲۰۵ / احیای هنرهای زیبا ۲۰۹ / ایرانی و هنر ۲۱۵ / یادداشتی برای نمایشگاه هنرهای زیبا ۲۲۳ / به یادگار کمال الملک ۲۲۷ / نام‌گذاری خیابان به نام استاد ۲۴۱

نامه‌ها ۲۴۳

نامه‌ی وزیری به میرمصور ارژنگی ۲۴۵ / نامه‌ی وزیری به میرزا علی دولتشاهی ۲۴۶ / نامه‌ی اللهیار صالح ۲۴۸ / نامه‌ی علی شایگان ۲۴۸ / نامه‌ی محمدعلی جمالزاده به وزیری ۲۴۹ / نامه‌ی محمد حجازی به وزیری ۲۵۲ / نامه‌ی پروین دولت‌آبادی به وزیری ۲۵۴ / نامه‌هایی برای جست‌وجوی آثار ۲۵۵ / نامه‌های باقر انصاری به وزیری ۲۵۸

منظومه‌ی «پیغام آب بر خاک» ۲۷۳

تصویر اسناد ۳۰۹

آثار ۳۲۹

پیشگفتار

محمدحسن حامدی

حسنعلی خان وزیری یکی از چهره‌های مهم و تأثیرگذار فرهنگ و هنر ایران در یک سده‌ی اخیر است. با تمام ناکامی‌هایی که دامن او را گرفت، جامعه، ماستر چنا، از خدایش بهره‌مند است. او از خانواده‌ای می‌آمد که مادر به کار فرهنگ‌سازان است و پدر نظامی بود و شاید به همین خاطر شخصیت استوار وی نیز در گرو فرهنگ و هنر باقی ماند.

وزیری از نوجوانی از وابستگی به خانواده اعلام استقلال کرد. پسر، با که مدتی به آن اشتغال داشت، رها نمود و جذبه‌ی وجودی‌اش با هنر گره خورد. اولین شاگرد مدرسه‌ی استاد کمال‌الملک شد، اما در همین اثنا دلبسته‌ی ادبیات بود و شعر می‌سرود. خلاقیت و استمرار در کار، به هنر، خلایق و خنجر، یگانه، استاد را شیفته‌ی وی کرد تا معاونت خود و مدرسه را که افتخاری بزرگ بود به عهده‌اش ندارد. توسعه‌ی مدرسه‌ی صنایع مستظرفه و ایجاد مدارس هنر با گرایش‌های متعدد در سراسر کشور دغدغه‌ای بود که وزیر، در این سمت برای آن تلاش کرد. پیش‌نویس قوانین جدید اداره‌ی صنایع مستظرفه که در سال ۱۳۰۱ شمسی تحریر نموده، گویای اندیشه‌ی بلند و امیدهایی است که وی در خیال می‌پروراند.

همجواری و دلبستگی‌اش به استاد کمال‌الملک، وی را به جایگاه ارجمند هنر و فرهنگ و همچنین سرزمین مادری آگاه و مطلع کرد و صدا البته که این امتیاز را نسبت به استاد داشت تا با ذهنی جوان و جویا دنیای پیش‌رو را رصد کند. حضور برادر ارشدش، استاد کلنل علیقلی وزیری که ایده‌های بکری در عرصه‌های فرهنگی خاصه موسیقی — داشت، بر شکل‌گیری شخصیت وی بی‌تأثیر نبود و کوشید تا هنرهای تجسمی کشور نیز از کیفیت نوگرایی بهره‌مند شود.

در نقاشی شیوه‌ای خاص داشت. مفاهیم جدید هنر را به سرعت درک و دریافت کرد. با قلم آزاد و رنگ‌های درخشان کار می‌کرد. وزیری را می‌بایست از اولین نقاشانی قلمداد کرد که جریان نوگرایی امپرسیونیسم را درک و هضم کردند.

نقاش - شاعری بود که سوزهای ساده و ناب را دستاویز کار قرار می‌داد و همین نکته هنرش را با آثار استاد کمال‌الملک متفاوت می‌کرد. بیش از آن که دلبسته‌ی ترسیم چهره‌ی مشاهیر و صاحبان مناصب حکومتی باشد، با طبیعت پیوند داشت. اغلب در فضای باز کار می‌کرد تا آتلیه. در بهره‌مندی از رنگ‌های درخشان، گشاده‌دست بود و آن چنان دقیق آن‌ها را به کار می‌گرفت که گاه تتالیته‌های متنوع یک رنگ، با لکه‌ای از رنگ مکمل، بسیار درخشان و بجا به نظر می‌رسیدند. این دقت در استفاده‌ی صحیح از رنگ‌ها، حتی در تابلوهایی که حالت مونوتن را دارند، قابل مشاهده است تا بسته به سوز، رنگ‌ها خودنمایی کنند.

وزیری شاید اولین هنرمندی باشد که به شکل گسترده، به عرضه و نمایش آثارش در خارج کشور اهتمام کرده. نقاشی‌هایش همواره نغمه‌ای از همدلی با طبیعت و پژوهش در ترکیب‌بندی را با خود همراه دارند. آزمون مکرر او در انتخاب قطع تابلو، سبک‌های مختلف، متفاوت و خلاقانه‌ی او با هنر نقاشی و عبور از مسیرهایی بود که تا آن ایام کمتر به محک تجربه درآمده بود. و همین نکات، کارش را متنوع جلوه می‌دهد. دستی توانا در طراحی داشت. آناتومی انسان و طبیعت را به خوبی درک و جذب کرده بود و از پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و تصویری سرزمین خود مطلع بود و این توارمندی در آثارش را حتی در اروپا دیدنی کرد و توجه منتقدان وقت را برانگیخت تا به همگان گوشزد کنند که هنر ایران در این تابلوها قابل جست‌وجوست. از مجسمه‌های استاد وزیری نیز نباید به‌سادگی گذشت؛ آثاری نظیر مجسمه‌ی فردوسی بر بال سیمرغ که با مشارکت استاد ابوالحسن‌خان صدیقی ساخت، یا مجسمه‌ی آیدین پور و یادمان استاد کمال‌الملک از این منظر نیز وزیری را می‌بایست با وجود قلت آثار از پیشگامان هنر معاصر ایران تلقی نمود.

اما حسنعلی وزیری در بازگشت از اروپا به سال ۱۳۱۴ شمسی، خود را تنها دانشمند که جامعه‌ای که با استادش وفادار نبوده، با وی نیز به همین سیاق رفتار خواهد کرد. همسر و برتری را نه سخت دلبسته‌شان بود به‌سان گذشته مهربان نیافت. توجه درخوری از جانب جامعه ندید و از این روی در به یابان گذاشت. در منطقه‌ی گل‌عسلک روستای گلابدره خلوتی را برای خود فراهم آورد اما آن‌قدر هوشمند بود که زندگی یگانه‌ی خود را به سردی نگذراند. ازدواج مجدد، تأمل در شعر، نمایشنامه‌نویسی و پژوهش در هنر از جمله دغدغه‌هایی بودند که وی در این ایام و در کنار ممارست کامل به هنر نقاشی، آن‌ها را سامان می‌داد.

مختصر توجهی در سال ۱۳۱۸ مجدداً او را دلخوش به حضور در جامعه کرد تا از جمله مؤسسان دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران شود و جریان ادغام مدرسه‌ی استاد کمال‌الملک را به سرانجام برساند؛ اما ساختار کم‌مایه‌ی نظام جدید آموزشی و مدیریت نامطلوب، خیلی زود او را به منتقد این جریان بدل کرد. گویا می‌دید که دستاوردهای مدرسه‌ی استاد کمال‌الملک که همواره از فرامین پیچیده‌ی اداری در پرهیز بود، نتایج درخشان‌تری را به بار آورده و از همین رو ترجیح داد تا هنرمندی مستقل باشد تا معلمی وابسته.

وزیری در تصور خود، عرصه‌ی هنر و هنرمندی را نوعی از مشی و مرام ویژه تلقی می‌کرد و کمال این مرتبت را در وجود استادش می‌دید. از این رو و با همین دغدغه برای اولین بار زندگی‌نامه‌ی استادش را کتاب کرد تا ثابت کند که هنر در چیزی فراتر از آفرینش نیز کار خود را پیش می‌برد. او در آشاعه‌ی این تفکر فقط به همین بسنده نکرد و هر جا سخن از هنر و مقام هنرمند می‌شد و حسنعلی‌خان نیز امکان بیان و اظهار داشت، نام استاد کمال‌الملک نیز بود. درواقع شخصیت کمال‌الملک را می‌بایست نصب‌العین وزیری در بیان و منش تلقی نمود؛ آن چنان که تا روزهای آخر حیات نیز، هیچ از این عقیده کم و کسر نگردید.

وزیری البته خلاهای آموزشی مدرسه‌ی صنایع مستظرفه را به‌خوبی شناسایی کرده بود و به‌طور مثال می‌دانست که مهم‌ترین آموزه در هنر نقاشی، شناخت آناتومی انسانی است؛ از همین رو چندسالی از عمر خود را وقف شناخت دقیق این مسأله کرد. «وشتاری را با عنوان «کالبدشناسی» به دست داد که علی‌رغم کارایی بسیار، متأسفانه تا چاپ همین یادنامه از آسار آن غفلت شده است.

طرح تأسیس انجمن دبیران کمال‌الملک، ساخت مقبره و نام‌گذاری خیابانی به نام استاد، برگزاری جلسات سخنرانی، تدوین، تحقیق و ارائه‌ی نظریه‌ی علمی پرسپکتیو، همگی دغدغه‌هایی بود که در دهه‌ی بیست شمسی و در کنار تأمل در ادبیات و گرایش به عرفان و مراقبه‌ی روح و روان، ذهن استاد را به خود مشغول داشته بود. این همه، علی‌رغم توانایی‌های آشکار و با آن که تا حدودی از مصاحبت چهره‌های فرهنگی و سیاسی برخوردار بود، فرصت شایسته از سوی مقامات، درک و فهم نشد و انزوای خودخواسته‌اش تداوم پیدا کرد.

وزیری را می‌بایست هنرمند و اندیشمندی ناتمام تلقی کرد. افکار بلندش در جامعه فهم و هضم نشد. تلاش‌هایش سرانجام مطلوب را بازنیافت. روزگار گویی چندان باوی یار همراه نبود. یک بار حریق و یک بار آتش جنگ جهانی دوم جان دهما تابلوی او را گرفت. تعدادی دیگر از آثارش در بی‌بوجبی مسافرت‌های ایران در انگلستان و آلمان، گم شد و از دست رفت. فروش تابلوهای وی در آمریکا، نجات‌بخشی پیدا کرد و در بی‌تدبیری دوستانش، بخش مهمی از این دستاوردهای هنری محو و به سرنوشت نامعلوم سپارید.

در ایامی که جامعه میل و شناختی نسبت به هنر نقاشی نداشت، در هنر خود ممانعت کرد اما آثارش خریداری نداشت. ایده‌های فرهنگی او دائم با ناکامی مواجه می‌شد. پژوهش‌هایش در شناخت حافظ و مولانا، به جمع‌بندی و سرانجام انتشار نرسید. سروده‌های او در دفترچه‌های کوچک باقی ماند و حتی نشان رسمی درجه‌یک هنر که در سال ۱۳۲۴ به او اهدا شد، توفیقی به دست نداد تا سلسله‌ی ناکامی‌های وی که محتملاً با روحیه‌ی انزواطلب وی نسبت داشت، تداوم پیدا کند.

هنگامی که وزیری در پنجم آذر ۱۳۳۳ درگذشت، جامعه‌ی فرهنگی کشور در بهتی عجیب فرورفت. حسرت این فقدان را از اخبار ثبت‌شده و گفتارهای بزرگان فرهنگ و هنر آن ایام می‌توان درک و دریافت کرد.

بر مزار وی در امامزاده‌قاسم تجربیش، طرحی از پالت رنگ و قلم‌مو نقش کرده بودند تا گویای هنرمندی باشد که در آن جا آرمیده؛ متأسفانه با طرح بازسازی و توسعه‌ی امامزاده در سال‌های پس از انقلاب، این نقش و

جایگاه مزار نیز از میان برداشته شد تا این بار ناتوانی جامعه در حفظ ارزش‌های ملی و حرمت مفاخر میهن پیش رو باشد. یادش گرامی.

در سال ۱۳۹۲ توفیق آن را یافتیم تا با ارائه‌ی طرح تأسیس «موزه‌ی مکتب کمال‌الملک» به سازمان زیباسازی شهر تهران، بانی این حرکت فرهنگی شوم. در تلاش برای گردآوری آثار هنرمندان مکتب، آن‌چه بیشتر می‌گشتیم و کمتر یافت می‌شد، آثار حسنعلی‌خان وزیری بود. هیچ نشان و سرنخی در دست نبود و جست‌وجوها به جای مؤثری ختم نمی‌شد. از طرفی واضح بود که موزه بدون آثاری از این هنرمند که اولین محصل، اولین فارغ‌التحصیل، اولین معاونت و مؤثرترین معرف استاد کمال‌الملک به شمار می‌آمد با خلئی بزرگ مواجه خواهد شد. شاید از بهت خوب بود که در روزهای نزدیک به افتتاح، دو اثر از وی برای فروش عرضه شد که بی هیچ تعللی خریداری و این مسأله‌ی بگرنج با لذتی تمام سرانجام گرفت.

پس از گذشت دو سال و اندک، تماسی دریافت کردم که صاحب صدا خود را فرزند استاد حسنعلی وزیری معرفی می‌کرد. ایشان با مرا به بهانه‌ی نشانی مرا از مسئولین باغ نگارستان محل موزه‌ی مکتب کمال‌الملک گرفته بود. در کمال ناباوری هم‌حسب خیر استاد وزیری شده بودم که در دنباله‌ی آشنایی، مرا به گنجینه‌ای از آثار و عکس و اسناد رهنمون کرد؛ اتفاقی. وثر که نتیجه‌ی آن همین کتابی است که پس از نه ماه کار مداوم اکنون در دسترس قرار گرفته است.

البته پاره‌ای از اسناد را از اشخاص مختلف، کتابخانه‌ها، مآلات و مراکز دیگر نظیر سازمان اسناد ملی به دست آوردم و هم‌چنان نیز در جست‌وجوی اسناد دیگر هستم. اما در فرصت‌های دیگر به انتشار آن‌ها اقدام شود؛ اسناد مهمی نظیر چندین نامه از استاد کمال‌الملک، نمایشنامه‌ی «استاد کمال‌الملک» و سخنرانی محمد حجازی که در مراسم ختم وی ایراد شد و حاوی اطلاعات مهمی است.

بدیهی است که در بازخوانی دستنوشته‌ها و اسناد — که غالباً با دشواری مواجه بود — آن‌چه را که ضرورت داشت و حاوی اطلاعات درخور توجه بود، انتخاب و از موارد پراکنده و شخصی حذف نظر کردم.

در این‌جا لازم می‌دانم که از خانواده‌ی استاد حسنعلی وزیری خصوصاً سرکار خانم شهین وزیری و آقای ایرج تیموری کمال تشکر را داشته باشم که با اعتماد کامل و صمیمیت بسیار مجوعه‌ی اسناد را در اختیارم قرار دادند.

محمدحسن حامدی

پاییز ۱۳۹۵